

# پشت پرده امنیت اجتماعی

گزارشی مستند و تکان دهنده از پشت پرده  
طرح موسوم به ارتقاء امنیت اجتماعی

An Independent  
and Moving News Release  
About Recent Social Crackdown in

## KEHRZIK CAMP



واحد انتشارات مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

Site : <http://hra-iran.org>  
E-mail : [info@hra-iran.org](mailto:info@hra-iran.org)  
Tel : ۰۰۹۸-۲۱۸۸۰۶۱۳۰۹  
Tel : ۰۰۱-۳۱۰۵۹۸۳۶۳۴



پاییز ۱۳۸۶

گزارشی مستند و تکان دهنده از زوایای پنهان طرح ارتقاء امنیت اجتماعی در ایران

واحد انتشارات مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران



از اواخر اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ سلسله عملیات های پلیسی در سر تا سر کشور خصوصا در تهران از طریق نهاد های انتظامی و امنیتی با نام طرح ارتقای امنیت اجتماعی شروع شد ، که موجی از تنش ها و حاشیه ها را در ابعاد داخلی و خارجی رقم زد.

مسئله افکار عمومی در سایه حمایت رسانه های دولتی ، از این طرح تنها آنچه را که گردانندگان پشت صحنه این طرح سیاسی تمایل داشتند ملاحظه نمودند. علی رغم اینکه اکثریت مطلق قربانیان این طرح از محرومترین لایه های اجتماعی که به هیچگونه نهاد ، مجموعه یا تریبونی برای بیان حقایق دسترسی نداشتند ، این مجموعه موفق شد تا با بازگشت تعداد کثیری از افراد قربانی این طرح که یا بلاقید آزاد شدند یا با ضمانت به جامعه بازگشتند و یا به زندان های مختلف منتقل شدند ، فرصتی برای مستند سازی پشت صحنه این طرح فراهم آورد و با اینکه قلم قاصر از بیان دیده ها و شنیده های وحشتناک صورت پذیرفته توسط نهادهای مدعی حراست از حقوق اجتماعی است سعی گشته است حداقل رسالت افشای نقض حقوق انسان ها در حد توان صورت پذیرد .

## آغاز طرح :

### پایگاه ها و نهاد های مرتبط در انجام عملیات ارتقای امنیت اجتماعی ۱ و ۲ در تهران

در این عملیات ۳۲ کلانتری پلیس و ۱۲ پایگاه پلیس امنیت و ۵ حوزه اصلی و قرارگاه اطلاعاتی پلیس و تمام پایگاه های بسیج در پوشش ستادهای امر به معروف و نهی از منکر به شرح ذیل شرکت داشتند.

کلانتری های ۱ با هنر ، ۲ پاسداران ، ۳ ولیعصر ، ۴ خرمشهر ، ۵ میرزای شیرازی ، ۶ نامجو ، ۷ فلسطین ، ۸ آزادی ، ۹ بهارستان ، ۱۰ پیروزی ، ۱۱ حسام الدین ، ۱۲ ابوسعید ، ۱۳ پانزده خرداد ، ۱۴ آیت الله سعیدی ، ۱۵

هلال احمر ، ۱۶ خزانه بخارایی ، ۱۷ جوادیه ، ۱۸ ستارخان ، ۱۹ مهر آباد ، ۲۰ ابوذر غفاری ، ۲۱ دهم فروردین ، ۲۲ دربند ، ۲۳ شهید باهنر ، ۲۴ کلاه دوز ، ۲۵ سیدجمال‌الدین اسدآبادی ، ۲۶ تهران پارس ، ۲۷ فرجام ، ۲۸ پیروزی ، ۲۹ ولی عصر ، ۳۰ نازی آباد ، ۳۱ فدائیان اسلام ، ۳۲ خاوران ،

### پایگاه های دوازده گانه پلیس امنیت به شرح زیر:

پایگاه یک شمیرانات ، پایگاه دو سیدخندان ، پایگاه ۳ نیلوفر ، پایگاه ۴ هفت حوض ، پایگاه ۵ خواجه نظام ، پایگاه ۶ خاوران ، پایگاه ۷ ارگ ، پایگاه ۸ میدان حر ، پایگاه ۹ ..... ، پایگاه ۱۰ .... ، پایگاه ۱۱ .... ، پایگاه ۱۲ ....

### حوزه های پنجگانه اطلاعات نیروهای انتظامی

۱- حوزه مرکزی تهران ، ۲- حوزه شمال تهران ، ۳- حوزه جنوب تهران ، ۴- حوزه غرب تهران ، ۵- حوزه شرق تهران

### نوع و نحوه برخورد در زمان دستگیری

### دستگیری در منازل در روزهای آغازین طرح :



FARS

Photo : Ebrahim Noroozi

FARS NEWS AGENCY

نحوه دستگیری و برخورد کلی در مورد افراد دستگیر شده در منازل به این شرح بود که فرماندهانی همچون سردار معمولی که صدها پلیس نقابدار را به همراه داشتند و به خانه ها حمله می کردند و از دیوار و بام آنها و همسایه های بی گناه آنها بدون اذن و هماهنگی در نیمه های شب بالا می رفتند و درب ها را میشکستند و حریم خصوصی افراد را مورد تجاوز قرار می دادند و پدر را در برابر چشمان همسر و فرزندان ، مضروب می کردند و شکنجه می دادند ، شلوار پدر

را در برابر چشمان فرزندان از تن خارج می کردند ، پسر را در برابر چشمان مادر و خواهر لگد مال می کردند و افراد را با تن لخت و یا با لباس خواب به کوچه یا محل تجمع مردم می بردند .

هیچگونه محدودیتی در حمله ها و عملیات وجود نداشت حتی شکستن درب منازل یا اتاق های که در آن نوامیس و فرزندان متهمین با وضعیت نامناسب قرار داشتند و هیچگونه محدودیتی در زمینه حفظ حریم و حرمت و حیثیت و آبروی افراد در محدوده منازل مراعات نمی شد و هیچگونه توجه ی به پوشش نامناسب زنان و مردان افراد سالخورده و حتی کودکان ، دختران و پسران غیر مرتبط با موضوع نمیشد .

مامورین اکثرا در عملیات های بازداشت در منزل فقط به بهانه ایجاد رعب و وحشت و کشاندن همسایه ها به کوچه ، درب و دیوار و سقف منازل متهمین بازداشتی را به گلوله می بستند بدون اینکه در نظر داشته باشند که این نوع عملیات های وحشت آور و متوحشانه بر روی روح و روان زن و مرد ، پیر و جوان ، دختر و پسر خردسال در محدوده منازل چه تاثیری می گذارد .

افراد بازداشتی در مرحله دستگیری منازل ، اکثرا از افراد شناخته شده و دارای شناسنامه قضایی و کیفری بوده اند را اینگونه بازداشت می کردند و پس از بازداشت با ضرب و شتم به محیط کوچه و خیابان محل سکونت انتقال و با تیراندازی مردم را جمع می کردند آنها در مورد دستگیری متهم ، تبلیغات می کردند و او را وادار می کردند که با استفاده از بلندگوهای اتومبیل های پلیس به خود و نوامیسش توهین و ناسزا بگوید .

### دستگیری افراد در روزهای بعدی طرح ارتقا امنیت اجتماعی :

اکثریت افرادی که در روزهای بعدی طرح ارتقاء امنیت اجتماعی دستگیر شدند هیچگونه ارتباطی با اتهامات و چارچوب های امنیتی گفته شده در این طرح نداشتند و فقط از جهت بالا بردن کمیّت عملیات و بالا بردن آمار و بیلان عملیات دستگیر شدند که اکثر آنان نیز پس از مدت کوتاهی از یک الی ۴ ماه از بازداشتگاه بطور بلافید و بدون اینکه کیفر خواستی در موردشان صادر شود آزاد شدند.

این افراد شامل معتادان تابلو ، خلافکاران محلی شناخته شده ، جوانان تجمع کننده در سر کوچه ها ، جوانان در حال تفریح و تجمع کرده در پارک ها ، افراد مشکوک به فروش مواد مخدر ، مشروبات الکلی و یا فیلم های غیر مجاز و ولگردهای خیابانی ، دارندگان وسایل نقلیه ای که تولید آلودگی صوتی می نمودند و کاسب های سرپایی میادین و خیابان های پر تردد که مزاحم کسب و کار سایر کسبه و از جمله مغازه داران محسوب می شدند بودند.

همچنین عده ای از مشتریان سفرخانه ها و قهوه خانه ها و مکان های تفریحی محل تجمع دختران و پسران که عملا اکثریت آنان مرتکب هیچگونه جرم قابل تعریفی نشده بودند و با یورش پلیس به محل تجمع و استقرار یا کسب و کار این افراد آنان را با ضرب و شتم و عناوین



Photo : Ebrahim Noroozi FARS NEWS AGENCY

واهی ارادل و اوباش و به منظور ارتقا امنیت اجتماعی بازداشت و به کلانتری ها و پاسگاه های پلیس امنیت منتقل نمودند ، اینگونه بازداشتی ها به بازداشت های آماری عملیات کور معروف هستند که در طی طرح های مختلف بازداشت می شوند که حتی اگر طرح جمع آوری گدایان ، ولگردان و یا سد معبر هم بود میشد عده ای را مثل همین افراد در

خیابان ها فقط برای بالا بردن آمار حتی برای چند ساعت بازداشت نمایند که این تعداد بازداشت شدگان به طور کامل در دید اذهان عمومی نگه داشته شدند تا عملیات هر چه بیشتر موفق و فراگیرتر بنظر برسد.

### **متهمین ارجاع شده از کلانتری ها و پایگاه ها به پلیس امنیت :**

در طی طرح ارتقا امنیت اجتماعی افرادی بودند که بنا به اتهامات خاصی که یا مرتبط با طرح بود و یا غیر مرتبط در بازداشت گاه ها بودند و طبق دستور ، کلانتری ها و پایگاه های پلیس امنیت برای کمک به افزایش میزان بازداشتی ها ، بدون در نظر گرفتن موارد قانونی و ارجاع آنان به دادگاه ، متهمین فوق را که در بازداشتگاه های کلانتری ها و پایگاه های پلیس امنیت بودند متقلبانه به عنوان مرتبطين در طرح ارتقائ امنیت اجتماعی به پلیس امنیت مرکز تحویل نمودند که در این بین حتی متهمین جلب ، اختلافات خانوادگی و درگیری و یا دعوا های عادی پیش پا افتاده هر روزه در جامعه نیز دیده می شوند . البته این بازداشتی های ارجاعی به پلیس امنیت و کمپ کهریزک که اصلتا هیچگونه عمل جنایی مستجب چنین برخوردی انجام نداده بودند ماهیتا بطور مطلق از دید آگاهان و مطلعین دور نگه داشته شده و قربانی خود خواهی عده ای شدند که در حال پوشش دادن عملیات پوشالی ارتقائ امنیت اجتماعی بودند و فقط بلندی لیست و تعداد دستگیر شدگان برای ایشان مهم بود .

### **محل استقرار بازداشت شدگان قبل از انتقال به کمپ کهریزک :**

#### **افراد بازداشتی در کلانتری ها :**

همانگونه که معلوم است اکیب ها و تیم ها و پایگاه ها و حوزه های مختلفی در روزهای عملیات فعالیت داشتند که یکی از مراکز کلانتری های مناطق بودند و سهم بالای از شناسایی مناطق عملیات دستگیر شدگان را داشتند ، اکثریت بازداشتی ها پس از ضرب و شتم های اولیه و هماهنگی ها با پایگاه های پلیس امنیت بدانجا منتقل میشدند که میزان ضرب و شتم ، بسته به اختیارات محدود آنان و در حد سیلی و لگد و چند ضربه تسمه ، کابل یا باتوم بوده است .

#### **بازداشتی ها در پایگاه های پر جمعیت :**



IRISNA

می توان گفت بیش از ۸۰٪ جمعیت بازداشت شده به طور مستقیم و یا غیر مستقیم و با نظارت پایگاه های پلیس امنیت بازداشت شده اند و میزان شدت عمل و ضرب و شتم در این پایگاه ها به مراتب از کلانتری ها شدید تر و سرسختانه تر بود و میزان اختیارات افراد شاغل در این نهاد ها در حدی بود که تا قبل از تحویل به بازداشتگاه ها و پلیس امنیت مرکز تا حد شکستن دست و پا می توانستند افراد بازداشتی را شکنجه نمایند .

از افراد معروف این شکنجه ها می توان به جلادهای نقاب به صورتی چون : سروان رضا سفری ، سرگرد اکبر محمدی ، سید علی محمد حسینی از پایگاه چهارم و آقایان زعفرانی و موسیوند پلیس امنیت و هادی ذالقدر از پایگاه دوم امنیت اشاره کرد که نقش شاخصی در شکنجه و ضرب و شتم افراد خصوصا بی گناهان داشته و سعی در گرفتن اقرار های اجباری و واهی تحت شکنجه از افراد بی گناه را داشتند .

### بازداشتی های کلانتری ها و پایگاه های پلیس امنیت پس از انتقال به پلیس مرکزی :

پلیس امنیت مرکزی واقع در عشرت آباد - میدان سپاه محل تجمع تمام بازداشتی های عملیات ارتقائ اجتماعی ۱ و ۲ بود که دارای کمترین فضای نگهداری بازداشت ها بود ، اطراف محدوده آن محل تجمع خانواده های بازداشتی ها و قربانیان طرح بود که در طی چند مرحله و در هر مرحله چند صد نفر از افراد به صورت بسیار فشرده و آزار دهنده در آن نگهداری می نمودند



شکنجه گران در این محل که مرکز عملیات محسوب می شد اختیارات بالاتری داشتند و قدرت بالای مانور در ضرب و شتم با اتکائ به افراد پشت پرده چون سردار رادان و سردار محمودی برگ زرینی از شکنجه ها در مورد متهمان بازداشت شده رقم زدند.

پلیس امنیت مرکزی حتی گنجایش نگهداری ۷۰ نفر را نداشت ولی در آن حتی تا ۳۵۰ نفر در هر مرحله نگهداری می شدند به طوری که افراد روی هم قرار می گرفتند و این ازدحام جمعیت حتی اجازه برنامه ریزی و نظم را نمی داد ، اکثر شکنجه ها در برابر چشم سایر بازداشتی ها انجام می شد و افراد نقابدار در دسته های ۲۰ نفره به سلول ها حمله می کردند و با شلنگ و باتوم و لوله های فلزی و یا باتوم های شوک دار (برقی) نفرات را ضرب و شتم می کردند .

موی سر تمام افراد را بدون استثنای در همان لحظه ورود با شماره صفر اصلاح می نمودند و برای بالا بردن میزان رعب و وحشت در حالی که تعداد زیادی دست و پا در زیر ضربات افراد پلیس امنیت و افراد نقابدار شکسته شده بود و این افراد در حال تحمل ضربات شیلنگ و باتوم و ضربات پی در پی شوک الکتریکی بودند ، سردار رادان به همراه عده ای محافظ ریز و درشت و جلادان دست پرورده وارد شدند و دقیقا با این کلمات تکلیف را روشن کردند ( **ما از بالاترین مقامات کشوری و امنیتی و قضایی دستور داریم که اینگونه عمل کنیم و مامورین تنها دستورات را اجرا می کنند و در سیر بازجویی های فنی به تمام مامورین پلیس امنیت می گویم که برخورد کنید و بزنید و اگر کسی کشته شد من پاسخ خواهم داد** ) که پس از این بازدید آنچنان یورش سهمگینی به بازداشتی ها در جهت شکنجه انجام گردید که چندین نفر دست و پاهایشان شکست و چند نفر به اغما رفتند و تعداد زیادی دچار بی اختیاری ادرار شدند و خود را خراب کردند و تعدادی هم نیمه هوشیار و حتی بی هوش به زیر دست و پا افتاده بودند و افراد پلیس امنیت با پوتین روی آنها به این طرف و آنطرف می دویدند.

چون مکان کوچک بود و بازداشتی ها زیاد و پلیس های یورش آورنده نمی توانستند افراد آخر اتاق ها را ضرب و شتم کنند. دهها نفر را دسته دسته به صورت کاملا برهنه با دستبند و پا بند به یکدیگر بستند و روی زمین انداختند و از بالای سر آنان به سایر بازداشتی ها حمله می کردند و چون چراغدن باتوم سخت بود همه آنها کابل های کوتاه و تسمه های اتومبیل در دست داشتند و به هر جای بدن که می توانستند ضربه وارد میکردند.



به طور کلی انتقال دست و پا شکسته ها انگشت و گونه و بینی شکسته ها به بهداری مفهومی نداشت و تا مدت ها در همان حالت در بازداشت ( میانگین حدود دو هفته ) پلیس امنیت بودند. که در این مرحله چند نفر به اغما رفتند و چند نفر کشته شدند که متأسفانه بر اثر پوشیده بودن صورت های پلیس امنیت افراد انگشت شماری شناسایی شدند که در بین آنان آقایان زعفرانی و موسیوند از همه معروف تر بودند و جلادانه تر عمل می کردند.

در این بین حتی افرادی پا را از همه چیز فراتر گذاشته و با ایجاد رعب و وحشت و ضربات کابل افراد بازداشتی را وادار می کردند که پس از اینکه به خود و نوامیس خود ناسزا می گویند برای خلاصی از شکنجه و ضرب و شتم ، سر خود را داخل کاسه توالت برده و سنگ توالت را بلیسند و یا در مواردی آنقدر افراد را به میله ها می بستند که خود را خراب کنند و حتی در مواردی بازداشتی ها را به میله ها می بستند و سایر افراد را برای معصوم ماندن از ضربات کابل و تسمه وادار میکردند ضربات پی در پی مشت و سیلی را پشت گردن سایر بازداشت شدگان بزنند که اکثرا چنین افرادی بر اثر شدت ضربات وارد شده بر پشت گردن بی هوش می شدند و از بینی آنها خون جاری میشد ، بعضی از آنان پس از گذشت چند ماه هنوز دچار مشکل سر درد و بینایی هستند .

### گرفتن اقرار های واهی تحت شکنجه :

در پی نقل و انتقال بازداشتی ها از کلانتری ها و پایگاه های پلیس امنیت تا خود پلیس امنیت مرکزی تمام مراکز فوق با شگردهای مختلف در صدد تشکیل پرونده و پرونده سازی برای تمام بازداشت شدگان بودند که شدت این عمل در پلیس امنیت مرکزی پس از بررسی و هویت آمار افرادی که غیر قابل متهم قلمداد شده بودند شدت گرفت ، با توجه به میزان مانور و تبلیغات رسانه ها و شدت عملی در طی بازداشتها نشان داده شده و تعداد بازداشتی ها و آمارهای اعلام شده و میزان صدمات و تلفات روزهای بازداشت هر طور شده باید آمار قابل



قبولی از مجرمین بازداشت شده به مراکز ذی صلاح و دادگاه ها و افکار عمومی ارجاع شود در نهایت سیاست طرح ارتقای امنیت اجتماعی به اینجا ختم شد که با هر ابزاری از افراد بی گناه و کم گناه برای اقرار به گناهان بزرگ و سنگین استفاده شود و چه چیزی بهتر از اختیارات مطلق در امر شکنجه ،

افراد سابقه دار و دارای سجل کیفری و شهرت و اسم و رسم دار تکلیفشان مشخص بود . می ماند عده بسیاری بی گناه و کم گناه که بدون اتکا به سندی با وارد کردن اتهام پس از ضرب و شتم و بارها فلک کردن از هوش بردن و بهوش آوردن انجام شد ،

مجموعه سوالاتی که از افراد میشد بدین قرار بود :

تا به حال به چند نفر تجاوز کردی ، چند تا کودک ربوده ای ، چند بار سرقت مسلحانه نموده ای ، چند مرحله تجاوز به عنف داشته ای ، چند بار قمه کشیده ای ، چند نفر را کشته ای ، شنیدیم در محلتان به کودکان تجاوز می کردی و بسیاری سوالات دیگر که در اکثر موارد پر کردن اینگونه پرونده های واهی در نهایت ناجوانمردی انجام میشد.



در حالی که افراد به تخلفات واقعی اقرار نمی کنند چگونه است که افراد بی گناه و بی اطلاع از اتهام باید به جرم و گناه و اتهام که اصلا معلوم نیست از کجا وارد شده اقرار کنند.

البته موارد بسیاری اخذ امضا اقرار ، بدون اجازه مطالعه متهم توسط مامورین پلیس امنیت صورت گرفت و چندین مورد افراد را وادار به امضا برگه های سفید بازجویی نمودند که هنوز نتایج و عواقب و میزان دفعات این موارد مشخص نیست .

### **فریب افکار عمومی و بهره برداری تبلیغاتی از طریق به راه انداختن کارنوالهای سیرک مداررعب و وحشت :**

برای پیشگیری از شکست عملیاتی و تبلیغات عملیات ارتقای امنیت اجتماعی افرادی در پشت سیاست گذاری این عملیات طرح هایی را به فرماندهان پلیس امنیت و سرداران آشکار و پنهان ارائه نموده بودند که برای همراستا نمودن افکار عمومی با عملکرد پلیسی بدون در نظر گرفتن خوب و بد و زشت و زیبا و درست و نادرست بودن آن کارها و حيله های کثیفی در مورد بازداشت شدگان بکار رفت که از جمله آنان ایجاد زمینه های رعب و وحشت و بزرگ نمایی عملکرد پلیس و تخلفات بازداشت شدگان با هر ترفند ابزاری که یکی از این رفتارها چرخاندن متهم بازداشتی بود صورت پذیرفت که بدون اثبات اتهام و صدور مجرمیت از طریق دادگاه در محله ها گردانده میشدند تا هتک حرمت و سلب حیثیت می شدند.



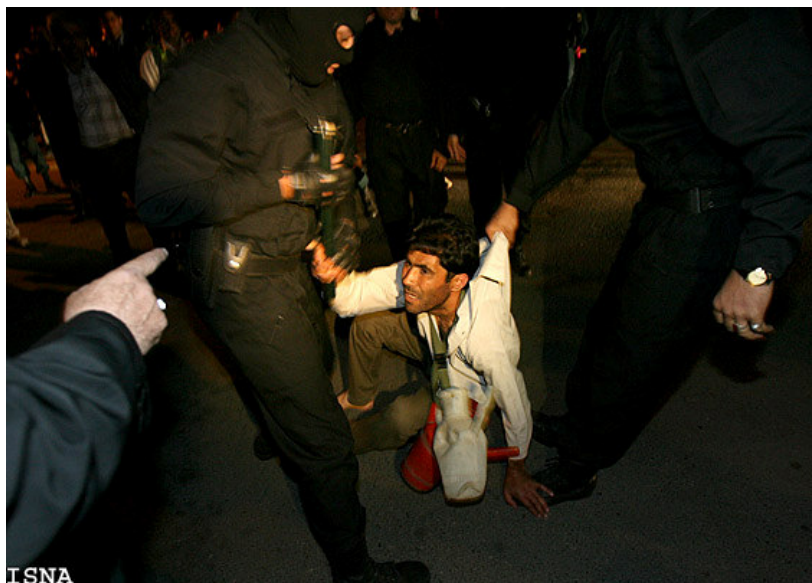
در این راستا وظیفه تیم های عملیاتی مجری سیاست ها عوام فریبی افکار عمومی این بود که افراد را پس از ساعت ها ضرب و شتم و گرفتن زهر چشم و سلب کردن قدرت دفاع در برابر مدعیات حتی تا رسیدن به مکان های از قبل تعیین شده به باد کتک می گرفتند و با تعداد زیادی مامور نقابدار فرد بازداشتی را از اتومبیل خارج و با صدای آژیر و شلیک های هوایی بی هدف مردم را به کوچه و خیابان میکشاندند و اکثرا برای جریحه دار کردن افکار عمومی و برانگیختن حس انزجار و دادن حق به پلیس و نشان دادن لیاقت و کارایی چنین می گفتند.

**( مردم این فردی که میبینید از اشرار منطقه شماسه به نوامیس مردم تجاوز کرده به چندین دختر دانشجو زنان شوهر دار تجاوز کرده ، چندین مورد سرقت و زور گیری کرده ، و یا نوع عروسی را از کنار همسرش ربوده و تجاوز کرده و به دختر سه ساله ای نیز تجاوز کرده و او را کشته است )**

در برابر این مدعیات و تبلیغات حتی عاقل ترین شهروندان حق را به پلیس می دادند و پلیس برای نشان دادن ذات مقتدر خود در مقابل ، با سرکشی ها فرد مورد نظر را که حتی قدرت لب باز کردن نیز نداشت در حالی که کلکسیونری از قمه و قداره و شمشیر و چاقو که حتی متهم از وجود آنان خبر نداشت را در بسیاری از موارد از پشت صندوق عقب ماشین های پلیس خارج کرده و برای مردم نمایش گذاشته و شروع به ضرب و شتم و شکستن دست و پای فرد بازداشتی با لوله های فلزی در مقابل چشم مردم می کردند و یا در صورت منصفانه تر وی را به تیرهای برق بسته و در برابر چشم مردم کشف عورت نموده و یا بدون حکم قانونی تعزیر و شلاق و یا باتوم و سیم کابل و تسمه می زدند.



حتی بازداشتی را وادار می کردند برای خلاصی از شکنجه های که هر لحظه امکان داشت موجب فلج یا نقض عضو شود در پشت اتومبیل های پلیس فریاد بزند ... خوردم و یا من ... زاده هستم تا فقط شاید ضربات پی در پی سیم های برق بافته شده بر سر و صورتش و مشت و لگد ها قطع شود.



ISNA

ISNA/PHOTO:ARASH KHAMOOSHI

البته این نوع موارد حتی به چهار مرحله در مورد بازداشتی ها اجرا میشد و افراد را حتی در محله های که اصلا به متهمین بازداشت شدگان ارتباطی نداشت و مردم آنان را نمی

شناختند می گرداندند، وقت و زمان مشخص شامل این عملیات نمیشد . حتی اگر چهار صبح بود، فقط کافی بود صدای آژیر و تیراندازی های پی در پی مردم را به کوچه فراری نمایند و دست آورد های دروغین و عوام فریبانه و نمایشی و فرمایشی خود را نشان دهند.

### **نقل و انتقال بازداشتی ها از پلیس امنیت مرکزی به کمپ کهریزک و اهداف آن :**

پس از اینکه مدتی بازداشتی ها در محیط کلانتری ها و پایگاه های پلیس امنیت و پلیس امنیت مرکزی بازجویی و ضرب و شتم شدند و با توجه به کوچکی محدودیت مکانی بعضا امکان سازمان دهی به اینکه خانواده های بازداشتیان و قربانیان و افکار عمومی پیگیر مسئله بودند و تردد پی در پی آمبولانس و اتومبیل های نقل و انتقال متهمین بازداشتی در محدوده پلیس امنیت مشکل ساز شده بود بازداشتی ها را در اکیب های مختلف برای آزادی عمل بیشتر و سازمان دهی در کارها به کمپ کهریزک واقع در شهر سنگ شهر ری نزدیک به آسایشگاه سالمندان کهریزک مستقر در وسط بیابان منتقل نمودند.

### **وضعیت فیزیکی کمپ کهریزک :**

کمپ کهریزک مکانی است که نزدیک به ۷ سال پیش در پی عملیات جزیره در محدوده محله خاک سفید جهت اسکان بازداشت شدگان احداث و بکارگیری شد .



این کمپ در وسط محیط خالی از سکنه و بیابان قرار دارد که دارای یک سالن ، ۸ اتاق و ۲ اتاق قرنطینه می باشد ، این مکان فاقد امکانات آب شهری می باشد و مدتها به صورت متروک و بلا استفاده بوده و دارای تلفن و یا محل ملاقات ، سیستم تهویه ، سیستم سرمایش و گرمایش نمی باشد و در اتاق های آن از کف پوش ، موکت و تخت خواب خبری نیست ،

سیستم نور رسانی آن بسیار ضعیف است از سرویس های بهداشتی مفید و حمام و مرکز درمانی در این کمپ نگهداری بازداشتی های عملیات ارتقای امنیت اجتماعی خبری نیست .

**آب :**

همانگونه که گفته شد در کمپ کهریزک آب لوله کشی وجود ندارد و افراد تا سه ماه به طور قطع حق استفاده از آب در مورد دستشویی نداشتند و هر گونه استفاده از آب و یا درخواست آب به شرط کتک خوردن و ضربات پی در پی شلنگ و کابل مقدر بود تا آب تسویه نشده کمپ از طریق تانکر های آب رسانی تهیه می شد .

البته تا یک ماهه اول هر قدر که آب نیاز بود افراد از طریق گالن های آغشته به گازونیل و بنزین آب می نوشیدند که اکثرا باعث حال به هم خوردگی و اسفراغ میشد ، لازم به ذکر است در ماه های آخر بازداشت کمپ تا حدودی این مشکل با شل کردن سر کیسه افراد بازداشتی مرتفع شد .

البته پس از گذشت یک ماه از بازداشت در کمپ با کلی زد و بند به اندازه نصف یک گالن چهار لیتری آب داده میشد و آن هم دو هفته ای یک بار ، تا افراد صورتشان را بشویند و برای ماموران قابل تحمل باشند ، در این وضعیت توضیح در مورد مصرف آب در موارد بهداشتی قابل طرح نیست .

در حدود دو ماه اول بازداشت هر کسی می خواست از دستشویی و توالت سه دقیقه ای آنجا استفاده کند ، باید در ساعات مقرر استفاده از دستشویی یعنی ۱۰ صبح و ۱۰ شب تصمیم خود را بگیرند و با خوردن و تحمل کابل و باتوم و سینه خیز رفتن و پارس کردن مثل سنگ اجازه استفاده از آب را پیدا کنند ، فقدان اجازه استفاده از آب بازداشتی ها را اکثرا به بیماری های پوستی و شپش آن هم در گرمای تابستان وگال مبتلا کرد که هنوز آثار و علائم این بیماری را در تن و بدن و سر صورت آنان مشهود است .

## غذا:

وضعیت تغذیه در مدت بازداشت چه در کلانتری و پایگاههای پلیس امنیت و پلیس امنیت مرکزی وضعیت و دستورالعمل خاصی نداشت تا چند روز اول که اصلا غذا خوردن و غذا دادن به بازداشتیها مفهومی نداشت و از پس مانده های کارکنان به حالت پرت کردن داخل جمعیت بازداشتیها، غذا می دادند که این وضعیت غذا نظم درآوری را در کمپ کهریزک به خود گرفت. پس از بازدید سردار رادان که در آن خطاب به بازداشتیها گفت :

**(آنقدر اینجا شکنجه می شوید و بی آب و غذا نگه داشته می شوید تا اندازه موش شوید و از میان میله های سلول های بازداشتگاه رد شوید و تازه این موقع است که اگر زنده ماندید به دادگاه و زندان دیگر منتقل می شوید)**

با این دستورات و فرمایش صریح ایشان، غذای بازداشتیها، ۲ وعده در ساعت ۱۶:۳۰ بعد از ظهر ۲۱:۳۰ شب تعیین شد که به صورت باور نکردنی در هر وعده دقیقا یک چهارم نان لوآش به همراه یک سیب زمینی بسیار کوچک میانگین ۵۰ گرم داده می شد ، که آن هم به صورت عادی داده نمی شد و به صورت پرتابی بین زندانیان تقسیم می کردند و بعضی اوقات برای تفریح افرادی را که ضعیف بودند و تا به آن روز این محیط ها را ندیده بودند، وادار می کردند برای گرفتن نان و یک عدد سیب زمینی، مثل سنگ چهار دست و پا پارس کنند و با دهان سیب زمینی را بگیرند که این سوء تغذیه در طی مدت ۴ ماه چنان تاثیری گذاشت که غیر قابل باور بود و آن اینکه با کوچک ترین ضرب و شتم، افراد بازداشتی بیهوش می شدند و از حال می رفتند و اکثر افراد بازداشتی مابین یک سوم تا یک دوم وزن خود را از دست دادند .

یکی از علائم و عوارض مشهود این مسنله، بدنهای لاغر و رنجور انتقالی ها به زندان های اوین و قزل حصار است که علیرغم گذشت مدت ها از انتقالشان، هنوز به شرایط عادی بازنگشته اند و از انواع بیماریهای گوارشی رنج می برند و دوا و درمان های بهداریهای زندان ها در موردشان به جایی نرسیده است.

## درمان و مصدومین:



Photo : Ebrahim Noroozi

FARS NEWS AGENCY

در کمپ کهریزک برای مواقع اضطراری مثل اغما و بیهوشی طولانی و ترکیدگی فتق یا آپاندیس و یا امثال آن که خطر مرگ وجود داشت در خارج از محدوده بهیار وجود داشت و در صورت شدید بودن جراحات و خطر فوت مصدوم به بیمارستان سجاد نیروی انتظامی انتقال می یافت. و دست ها و پاهای شکسته ای که از آن خون جاری نمی شد و یا شکستن انگشتان، گونه و بینی و انواع کبوده های تن و بدن و امثال آن هیچ گونه درمان و ارسال توجیهی نداشت تا زمانی که شخص بازداشتی درست و حسابی بر اثر آن مصدومیت شکنجه شود و آن وقت فقط برای گچ گرفتن دست و پا به بیمارستان اعزام می شد. البته در این بین افراد زیادی هم بودند که بر اثر عدم رسیدگی بلند مدت به شکستگیها دست ها یا پاها و یا انگشتانشان گچ جوش خورده است.

## انواع و اقسام و ساعات شکنجه ها و عوامل دخیل:

### شکنجه های لحظه ورود به کمپ کهریزک:

پس از پیاده شدن بازداشتیها از وسایل نقلیه انتقال در بیابان های اطراف کمپ، آنها را مامورین کمپ و مامورین انتقال محاصره کرده و لخت می کردند و فقط اجازه داشتند یک شرت بر تن داشته باشند و مراسم پیشواز و خوشامد به کمپ شروع می شد و اکثر این مراسم و نقل و انتقال، در اوج گرما و داغی زمین و آسفالت یا در گرگ و میش غروب شروع می شد .

چراغهای روشن اتومبیلهای پلیس، محدوده شکنجه و سینه خیز بر روی شن و ماسه و خار و خاشاک و آسفالت را مشخص می کرد و بازداشتیهای منتقل شده شروع به سینه خیز رفتن می کردند و عده ای هم با باتوم و کابل و شلنگ و

حتی دسته بیل به جانشان می افتادند و حتی در این بین نمی گذاشتند که یک بشکه خالی قیر که پر از آب بود هم بیکار بماند و شلنگ و کابل و تسمه را در آن فرو می بردند و بر سر و بدن بازداشتهای انتقالی به کمپ میزدند.

البته مامورینی هم بودند که با تاباندن کمر بند و فانوسقه به گردن سینه خیز روندگان، آنها را ثابت نگه می داشتند تا سایرین بتوانند با ضربات پوتین و چوب و کابل آنها را مضروب کنند و یا آنقدر بشین پاشو و کلاغ پر و شنا می بردند تا بازداشتهای از حال بروند و حتی قادر به فرار و حرکت و عکس العمل در برابر ضربات نباشند. و پس از همه این اعمال همانطور همه را لخت به طرف سلول ها و بندهای اصلی می بردند.

با وحشت افرادی که قبل از گروه جدید آنجا هستند را چند برابر کنند و بعد لباس ها را پرت می کردند تا افراد لخت شده بپوشند البته در بین افرادی از خانه ها لخت آورده شده و یا لخت بودند که تا آزادی اولین گروه در کمپ یعنی ۸۶/۴/۲۰ به مدت حدود ۵۰ روز لخت گذران می کردند و لخت می خوابیدند و لخت شکنجه می شدند و لخت بازجویی می دادند تا وقتی که اولین گروه آزادی ها لباس های خود را به آنها دادند.

### محیط داخلی سالن و اتاق های کمپ:

در داخل سالن کمپ، ۸ اتاق وجود دارد که بازداشتهای را به آنجا منتقل می کردند و گنجایش اتاق ها حداکثر ۲۰ نفر بود که تا ۷۰ الی ۱۰۰ نفر نیز می گنجانند. از کف پوش و موکت و تخت و زیرانداز و روانداز خبری نبود و همه به مدت ۳ ماه بدون استئنا بر روی موزاییک کف اتاق ها می خوابیدند و به راحتی حیوانات موذی و سوسک و حشرات در اتاق تردد می کردند .

حدود ۲۰ روز اول درب اتاق ها را باز نمی کردند و بازداشتهای در همان محیط اتاق ها ادرار و مدفوع می کردند و با شدیدترین ضرب و شتم ها اجازه استفاده از دست شویی را پیدا می کردند و حتی تا مدتی در اتاق ها از یک پتوی تا شده به عنوان اسفنج در توالت در مقابل دیدگان یکدیگر استفاده می کردند که بوی تفعن همه را مریض کرده بود و پس از گذشت ۲۰ روز و شدت یافتن وضعیت و حتی قابل تردد نشدن مامورین از پمپ فشار قوی تانکر آب استفاده کردند و کف سلول ها از مدفوع و ادرار پاک شد. همچنین تا مدت ها که افرادی انتقال شوند و قرنطینه باز شود، نفرات اتاق نوبتی می خوابیدند.

دقیقا کمتر از نیم متر جا برای هر نفر وجود داشت و حتی تنفس کردن بسیار سخت بود چه برسد به نشستن یا خوابیدن. در حالیکه تمام بدن ها مضروب بود و افراد ناله می کردند و پس از بالا رفتن بیش از حد جمعیت درب قرنطینه ها باز شد و افراد به آنجا انتقال پیدا کردند که بنابه گفته چیزی حدود ۷۳۰ نفر در این عملیات بازداشت و به کمپ کهریزکی که ظرفیت آن حداکثر ۲۵۰ نفر بود منتقل شدند .

### ضرب و شتم ها و شکنجه ها در داخل اتاق ها و سالن کمپ:

اصل عملیات شکنجه در کمپ کهریزک در محیط سالن اصلی و چند اتاق افسر نگهبانی انجام می شد، که اکثر افراد شکنجه گر، به غیر از عده ای گروهیان که نقاب به صورت و لباس نظامی به تن داشتند، مابقی ماموران ضرب و شتم و شکنجه با لباسهای شخصی بودند و بازداشتهای را شکنجه می دادند که اکثرا مستقیما از عوامل پشت پرده دستور می گرفتند که بنابه شواهد در بین آنان، جلدانی به نامهای ستوان علیرضا صادقی، سیدعلی اکبر منافی و دستیارش به نام کمیل بودند که سردمدار شکنجه های متوحشانه و شکستن دست و پاهای بازداشتهای با لوله های فلزی آب بودند که در این بین ۲ بار بازدید سردار رادان به همراه سردار معمولی، رئیس مامورین ویژه عملیاتی، تجدید روحیه ای برای

شکنجه گران ارتقای امنیت اجتماعی بود که در آن سردار رادان با حضور در سالن کمپ کهریزک و سخنرانی برای بازداشتی ها و مامورین چنین مطالبی را ادا نموده :

**(ما اختیار مطلق در برخورد با شماها داریم تا آن حد که تک تک شما را بکشیم و در این بیابان ها دفن کنیم و صدایتان هم به جایی نرسد و تا مطمئن نشویم که عملیات ارتقا امنیت اجتماعی به اهداف خود رسیده، شما در اینجا پاسخگوی ما خواهید بود و اگر در اینجا نمیرید، باید اندازه موش شوید تا از بین این میله ها بگذرید و آنوقت به دادگاهها یا زندانها منتقل شوید و رو به مامورین حاضر ادامه داد آنقدر این ها را بزنید تا صدای سگ دربیاورند، به اندازه موش شوند و اگر کسی هم زیر دست و پا کشته شد من پاسخگو خواهم بود)**

اینچنین مجوزهای علنی در مورد آزادی بی حد و حصر شکنجه، باعث می شد که مامورین در دسته های ۲۰ نفره، به سالن ها و اتاق ها حمله می کردند و آنقدر بازداشتیها را با باتوم و کابل و خصوصا شوک الکتریکی می زدند تا از حال بروند تا قادر به حرکت نباشند و بعد عده ای را که اکثرا لباس بر تن نداشتند، کشان کشان به راهروهای سالن می آوردند و چند نفر چند نفر به هم می بستند و دست یکی را به پای دیگری و پای دیگری را به دست دیگری می بستند و یا با زنجیر به میله های سلول ها و اتاق ها می بستند .

بعد از بستن، ضرب و شتم در شدیدترین وضعیت شروع می شد و آن ضرب و شتم با سیم های نازک بافته شده برق، مشت و لگد و سیلی پی در پی بود، در این بین بستن کماتی و قپانی از همه بدتر بود. چون دست ها و پاها را از پشت به هم می بستند و میله از لای آن رد می کردند و شخص را تاب می دادند و با رها کردن میله از ارتفاع شخص با دست و پای بسته در حالیکه مثل کمان از پشت بسته شده با سر و صورت و پهلو روی کف های بتونی و موزاییکی می افتاد و یا پی در پی افراد را با اسامی صدا می زدند و با بستن پاها به یک چوب ثابت، تعزیر میکردند و میزدند تا جایی که کف پا ملتهب و متورم شود .

سپس آنان را مجبور به راه رفتن بر روی پای متورم شده می نمودند و یا بازداشتیها را صدا میزدند و با ضربات باتوم و پوتین و خصوصا وارد آوردن شوک الکتریکی وادار به لخت شدن و کشف عورت مقابل چشم سایرین می کردند و به حالت نمایشی از جهت تحقیر در مقابل چشم همه بازداشتیها به استعمال باتوم و شیشه به آنها می پرداختند و در آخر بلندگو را به دستشان می دادند و می گفتند برای اتمام شدن شکنجه بگو ... خوردم، مادرم ... است، زنم ... است و بعد برو اتافت. که بازداشتی این اعمال را انجام می داد و پس از گذشتن از تونل انسانی هم ضرب و شتم باتوم و کابل و سیم خود را به اتاق می رساند.

این یورشهای وحشیانه به شکسته شدن دست و پای عده زیادی انجامید و تعدادی نیز دچار مشکلات روحی و روانی بر اثر فشارها و شکنجه ها شدند ، چند نفری بر اثر ضربات به کمر و سر دچار عدم کنترل ادرار شدند و تعدادی هم زیر دست و پا جان خود را از دست دادند و کشته شدند که بنا به شهادت جمع زیادی از بازداشتیهای کهریزک و پلیس امنیت تا مورخه ۸۶/۶/۳۰ ، ۱۳ فرد تحت عناوین مختلف کشته شدند.

مامورین برای فریب، علت مرگ و کشته شدن ، آنان را بیماری قلبی و یا ابتلا به بیماریهایی همچون هپاتیت اعلام می کردند، که تنها یکی از تاریخهای مستند ۸۶/۴/۱۱ در کمپ بود که در شب شکنجه بازداشتیها، آپاندیس یک نفر ترکید و فقط یک نفر پاره شد. در اثر دستبند زدن به پا به صورت کماتی، قوزک پاهای یک بازداشتی دیگر کنده شد و در طی عمل جراحی از ران پای او به قسمت آسیب دیده پیوند شد و ۳ نفر نیز کشته شدند که البته در این روز دست ها و پاها بسیاری شکست که چون اضطراب نداشت و منجر به فوت نمی شد به بیمارستان سجاد نیروی انتظامی منتقل نشدند.

آخرین ترفند شکنجه هم مثل پلیس امنیت بستن به تخت سربازان بود و وادار کردن عده ای از بازداشتیها به ادرار بر روی شخص به تخت بسته شده بود ، و البته به خاطر دور بودن دستشوییها از لیسیدن توالت بر خلاف پلیس امنیت، بازداشتیها را معاف کردند.

ناگفته نماند مامورین از سه قلاده سوسمار صحرائی بزرگ حداقل ۸۰ سانتی متر که گویا در بیابان های آن منطقه زنده در دام افتاده بودند یا از مکان دیگر به آنجا منتقل شده بودند نیز غافل نماندند و با انداختن آنها بر روی صورت یا درون لباس فردی که دست ها و پاهایش بسته بود برای هر چه بیشتر ترساندن وی استفاده می نمودند که این شکنجه بیشتر در مورد افرادی که قیل از تاریخ ۵ تیر ماه بازداشت و به آنجا منتقل شده بودند استفاده گشته است در توضیح ناممکن شدت اعمال غیر انسانی تنها می توان گفت جلادان الحق و الانصاف در شکنجه و ضرب و شتم و سفید کردن روی تمام شکنجه گران سطح جهان سنگ تمام گذاشتند. تا ۲ ماه پس از بازداشت، تمام افراد در ۴ وعده شکنجه می شدند و حتی افرادی بودند در روز ۲ بار فلک می شدند که ساعات منظم و ثابت شکنجه ۱۰ صبح، ۴ بعد از ظهر، ۱۰ شب و ۱۲ شب بود.

### **پیرترین و جوان ترین بازداشتیها:**

میانگین سنی افراد بازداشت شده در عملیات ارتقا امنیت اجتماعی ۳۰ سال بود که پیرترین بازداشتیها ۲ نفر پیرمرد ۶۲ ساله و ۸۰ ساله می بودند که به خاطر اعتراض به نحوه ورود مامورین لباس شخصی به منزل، بازداشت شده بودند و به همراه فرزندان خود توقیف بودند و جوان ترین بازداشتیها یک نفر نوجوان ۱۴ ساله بود که به جای برادرش بازداشت شده بود و چند نفر نوجوان ۱۵ الی ۱۶ ساله بودند که در پارک دستگیر شده بودند و اتهامشان مزاحمت و ولگردی بود و تعداد زیادی بالغ بر ۸۰ نفر نیز زیر سن قانونی ۱۸ سال بودند که بدون هیچ گونه سوال و جوابی در تمام مراحل، شکنجه می شدند و در نهایت پس از ۴۰ روز الی ۳ ماه بازداشت بدون کیفر خواست تعدادی به زندان منتقل و تعدادی آزاد شدند و معلوم نشد این همه مدت چرا ضرب و شتم و شکنجه شدند و صدایشان به جایی نرسید.

### **اولین دسته آزادیها:**

اولین دسته آزادیها از کمپ کهریزک اواخر تیرماه (۸۶ ۴/۲۰) آزاد شدند، دسته ای ۳۰ نفره که اکثر افراد بی گناه و اشتباه دستگیر شده و کسب و کار دار و پیگیری شونده بودند که البته مراحل شکنجه را گذرانده بودند که بر اثر غیر قابل توجیح بودن ۱۰۰٪ بازداشتشان آزاد شده بودند و حتی کوچک ترین درصد صدور کیفر خواست حتی با وجود اقرارهای تحت شکنجه و پرونده سازی واهی وجود نداشت.

### **احیای شرافت اسلامی و انسانی:**

باید گفت در مواردی پلیس امنیت و سران آن نیز از قافله کرامت و شرف به دور نماندند و با دادن یک نوبت نفری ۲ عدد سیب زمینی، نیمه شعبان را پاس داشتند که این بزرگواری شرافتمدانه از جهت احیای شرافت انسانی و اسلامی جای تقدیر و سپاس دارد.

### **فریب افکار عمومی و عوام فریبی در مقوله اعدام ها:**



Photo : Ebrahim Noroozi

FARS NEWS AGENCY

در مقوله عملیات های ۱ و ۲ ارتقا امنیت اجتماعی بالاخص در تهران و شدت غیرمنتظره عملیات که در آن تعداد بیش از ۷۳۰ نفر دستگیر شدند و طی ۴ ماه بازجویی و ضرب و شتم و دست و پا شکستن ها و بوق و کرنا کردن ها و حتی کشتن ها، دست آوردی به دست نیامد، و در مورد ۳۰ نفر از همه این تعداد بازداشتیها آن هم با هزاران پرونده سازی \* و بگیر و ببند و اغراق و تنظیم گزارشات، کیفرخواست صادر گردید که در نهایت با آبروریزی داخلی و خارجی و عوامفریبی و تحقیر و متهم شدن به نقض حقوق شهروندی و حقوق بشر در مجامع بین المللی و رسانه های داخلی و خارجی منجر گردید.

برای خروج از بحران و عوامفریبی و القای غیرمستقیم به مردم در مورد پیروزمندانه بودن عملیات پلیس امنیت، طی سلسله اعدام های دسته جمعی، طوری سیاست پردازی و سناریو پردازی شد که افکار عمومی فکر کنند که پلیس افراد دستگیر کرده را با عناوین ارادل و اوباش و مخلین جامعه در کمتر از یک ماه با اختیارات فوق العاده اعدام می کند. در حالیکه اکثر افراد اعدام شده سالهای طولانی در زندانها بوده اند و شاید اگر قضیه اعاده حیثیت پلیس در مقوله شکست طرح کذایی ایجاد رعب و وحشت در جامعه نبود، حداقل این افراد به این زودیهها اعدام نمی شدند و اعدام آنها به حساب دستاوردهای پیروزمندانه کاذب پلیس امنیت گذاشته نمی شد.

عملیاتی که صد ها بازداشتی داشت و مباحث بسیاری را برانگیخت ولی متهم و مجرم واقعی و قابل ارانه ای به افکار عمومی را نداشت، حداقل در مورد ارتقاء امنیت اجتماعی.

شایان ذکر است تعدادی از قربانیان این طرح نقل می نمایند که با انتقال آنان به اتاق های مخصوص چند دوربینه و مجهز به فیلم برداری از آنان به اجبار خواسته شده است تا با در دست گرفتن قمه به سوی دیوار با تصور اینکه یک مغازه است با عریبه کشی به صورت فردی با جمعی حمله نمایند و یا در ژست های مختلف با انواع سلاح های سرد به ذکر آنچه مامورین با شکنجه از آنان خواسته اند بپردازند و اینگونه صحنه ها که با تجهیزات و افراد حرفه ای

فیلمبرداری و در بعضی موارد حتی تا ۸ مرتبه نیز تکرار گشته است بزودی کارکرد خود را به معرض نمایش عموم خواهد گذاشت .

### وضعیت فعلی کمپ کهریزک:

در فصل حال در کمپ کهریزک کمتر از ۳۰ نفر در حال حاضر نگهداری می شوند و مابقی افراد یا به زندانهای اوین و قزل حصار و بند ۲۴۰ اوین منتقل شده اند و یا آزاد شده اند. اکنون نیز در کمپ کهریزک نیروی انتظامی در حال نصب کانکس و کانتینر و احداث سلول های انفرادی است که قطعا در عملیات متشابهی در آینده از آن محیط بتواند استفاده کند.

### شرح نهایی و سخن آخر در مورد عملیات به اصطلاح ارتقا امنیت اجتماعی :

در شرح نهایی این گزارش مستند معروض می داریم که تمام مستندات و گزارشات تنظیمی توسط این مجموعه به صورت ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم با تعداد کثیری از قربانیان طرح کاملا سیاسی به اصطلاح ارتقا امنیت اجتماعی و خانواده های آنان تهیه و گردآوری گردید، که در مجموع با استناد به وضعیت جسمانی و روحی افراد مورد تحقیق ماست، که همگی بدون استثنا از بحران روحی و روانی و عوارض جسمانی بر اثر ضرب و شتم و شکنجه های پی در پی و اعمال حربه گرسنه و تشنه نگه داشتن رنج می برند،

می توان گفت فجایع رخ داده در طی عملیات ارتقا امنیت اجتماعی ۱ و ۲ جزواستثنایی ترین و ضد انسانی ترین موارد نقض حقوق بشر در ایران در طی چند ساله اخیر بوده که در طی آن افراد بسیاری به طور صد در صد بی گناه بازداشت و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند و با توجه به اینکه سن زیر ۱۸ سال کودک محسوب می شود و تعداد زیادی از این طبقه سنی در طی عملیات فوق در بازداشت بوده و هستند و شکنجه های غیرقابل باور و درد آوری را تحمل کرده و می کنند.

تک تک افرادی که در طی این مدت به چشم دیده ایم، بدون استثنا از بیماریهای گوارشی و سوء تغذیه رنج می برند و بر اثر تحقیرات دچار سرخوردگی و افسردگی و ترس بی مورد و گوشه گیری شده اند که اسامی تعدادی از این قربانیان به همراه محل استقرار فعلی آنان تا تاریخ ۸۶/۷/۱۱ جهت نتویر افکار عمومی به قرار ذیل اعلام میگردد:

اسامی افراد

- ۱- محمد فروغی با قید ضمانت بیرون
- ۲- مجتبی طبع محل استقرار سالن ۶ اندرزگاه ۷
- ۳- حسین نجار حسینی استقرار سالن ۵ اندرزگاه ۷
- ۴- علی طلاجویان استقرار سالن ۱ اندرزگاه ۷
- ۵- امیر چهارگانه استقرار سالن ۱ اندرزگاه ۷
- ۶- میثم لطفی استقرار سلول ۳۸ بند ۲۴۰
- ۷- حمید مرادی استقرار سلول ۴۲ بازداشتگاه ۲۴۰
- ۸- مرتضی غلامعلی استقرار سالن ۳ اندرزگاه ۷



- ۹ - هانی خوانداری استقرار اطاق ۱۲۲ بند ۲۰۹
- ۱۰ - سیامک افشار استقرار واحد ۲ زندان قزلحصار
- ۱۱ - عباس نظری استقرار سالن ۳ اندرگاه ۷
- ۱۲ - هادی مولانی استقرار سالن ۳ اندرگاه ۷
- ۱۳ - اکبر علیزاده استقرار ، سالن ۴ ، اندرگاه ۷
- ۱۴ - میثم مولانی استقرار ، سالن ۱ ، اندرگاه ۷
- ۱۵ - سعید جمالی استقرار ، سالن ۳ ، اندرگاه ۷
- ۱۶ - عباس مشهدی رضا استقرار ، سالن ۳ ، اندرگاه ۷
- ۱۷ - طاهر بابا زاده استقرار بند ۲۴۰
- ۱۸ - محسن شاکری سالن ۱ ، اندرگاه ۷
- ۱۹ - حسین پویا مهر مستقر در کمپ کهریزک
- ۲۰ - روح الله ابراهیمی مستقر در کمپ کهریزک
- ۲۱ - مهدی شهبابی سالن ۷ ، اندرگاه ۸
- ۲۲ - مجید کوشکستانی سالن ۷ ، اندرگاه ۸
- ۲۳ - حمید ابراهیمی سالن ۹ ، اندرگاه ۸
- ۲۴ - حسین الیز سالن ۹ ، اندرگاه ۸
- ۲۵ - امیر مختاری سالن ۱۰ ، اندرگاه ۸
- ۲۶ - وحید حسینی مستقر در کمپ کهریزک
- ۲۷ - مصطفی طاهری سالن ۱۰ ، اندرگاه ۸
- ۲۸ - حامد اکبری متقر در بند ۲۴۰
- ۲۹ - مجتبی رضائی مستقر در کمپ کهریزک
- ۳۰ - محمدرضا رضوی سالن ۸ ، اندرگاه ۸
- ۳۱ - محمد سلیمی زندان گوهردشت
- ۳۲ - اصغر سلیمی واحد ۵ زندان گوهردشت
- ۳۳ - مهدی سلیمی زندان گوهردشت ( اعدام شده در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۸۶ در زندان اوین )

همچنین این مجموعه خواهان تشکیل کمیته ای حقیقت یاب و دادگاهی بین المللی برای رسیدگی به این جنایات می باشد و توانایی اثبات تمامیت این گزارش مستند را با در اختیار داشتن شاهدین و مستندات کافی و ارانه آن به هر دادگاه صالحی در هر نقطه دنیا را دارا می باشد.

- 
- مقصود پرونده سازی ها از ابتدای طرح می باشد.

## **An Independent and Moving News Release About Recent Social Crackdown in Iran: KEHRZIK CAMP**

In May of 2007 the Iranian police, namely the National Security Police and the Army (Niruye Entezami) started a brutal social crackdown in Iran, particularly in Tehran.

However, the Iranian public was only aware of what they read and heard in state owned and controlled media outlets. Because the victims of this brutal operation had no way of defending and fighting for their rights Human Rights Activists in Iran has put together this news release,

in order to inform the world of what really happened. This was prepared with the help of those who were released unconditionally or on bail, as well as from those who are currently in Evin, Gohardasht and other prisons.

### **The Start of this Operation:**

In this operation 32 police stations, 12 National Security Police Stations as well as 5 Intelligence Ministry Offices were involved.

#### ***Police Stations:***

The police stations involved in this operation were Bahanar, Pasdaran, Valiasr, Khoramshahr, Mirzayi Shirazi, Namju, Palestine, Azadi, baharestan, Pirouzi, Hosamoleydin Abusayid, Panzdahe Khordad, Ayatollah Saidi, Hala Ahmar, Khazane Bokharayi, Javadiye, Saharkhan, Mehr Abad, Abouzar Ghafari, Dahome Farvardin, Darband, Shaheed Bahonar, Kollah Douz, Seyed Jamaledin Asad Abadi, Tehran Pars, Farjam, Pirouzi, Vali Asr, Nazi Abad, Fadaiyane Islam and Khavaran.

#### ***National Security Police Offices:***

Shemiranat, SeyedKhandan, Nilufar, Hafte Hoz, Khaje Nezam, Khavaran, Irq, Meydane Har as well as three other offices.

### ***Army Basis:***

Central Office in Tehran, Northern Office in Tehran, Southern Office in Tehran, Eastern Office in Tehran, Western Office in Tehran.

### **Arrests:**

#### ***Arresting Individuals in their Homes:***

Individuals such as Commander Mamouli who had 100's of masked police officers with him would attack people's homes, climbing roofs, breaking down doors and attacking the individuals. They would beat sons in front of their mothers and sisters, fathers in front of their children and husbands in front of their wives. After severe beatings they would drag these individuals into the streets either half naked or in their pajamas.

There were no boundaries to these attacks, nothing to stop the officers from breaking down the main doors of the house or the doors to rooms, even when there were small children in the rooms. There were also no rules against destroying private property.

In order to create greater fear and to force neighbors into the streets, the police officers would fire at the doors, walls, and ceilings of the houses of the people they were arresting, without having any consideration for the effect this would have particularly on children and the elderly.

Once on the streets they would force the individuals under arrest to use the microphones in the police cars to confess to crimes they had not committed or to say insulting things about themselves and their loved ones.

The individuals arrested in their homes in general did have previous criminal convictions but no new charges pending against them.

***Arrest of Individuals in the later days:***

The people that were arrested after the first wave of arrests generally had no criminal records or pending criminal charges, and were arrested only in order to increase the list of those arrested under the pretense of having committed serious crimes. Most of these individuals were released without any charges laid against them after the first 4 months.

These individuals who were arrested were mostly those hanging out in parks or street corners, those suspected of selling illegal CD's, tapes,

movies and alcohol, street vendors, as well as individuals known for frequenting coffee shops and other places where young men and women gather and socialize.

### **Transfer of Individuals in Custody to the National Security Police Stations:**

Many people who had been charged with minor crimes such as theft under or an ordinary assault and were in custody at the time were transferred to the National Security Police Stations in order to increase the number of those who were arrested and were to be sent to Kehrzik Camp.

All these individuals were charged with minor crimes and the only reason for their transfer to the Kehrzik Camp was the need for the police to increase the list of those who were arrested, under the pretense of having committed very serious crimes.

### **Where Prisoners were Incarcerated before begin Transferred to the Kehrzik Camp:**

#### ***Arrested Individuals in Police Stations:***

Many of these people after the arrest and the initial beatings which consisted of kicking, punching and beatings with electrical cables were transferred to police stations.

***The large number of prisoners in the National Security Police Stations:***

It can be said that about 80% of those arrested were arrested by the National Security Police and the beatings and torture in the National Security Police Offices were much worse than those in regular police stations. The treatment of the individuals arrested by the National Security Police was so extreme to the point of having the individual's arms or legs broken before taking them to the stations.

The torturers included Captain Reza Safri, Major Akbar Mohammadi, Saeed Ali Mohammad Hosseini, Mr. Zafarani and Mr. Musivand and Hadi Zalghadir who were in charge of torture and obtaining false confessions from these innocent people.

***The Central National Security Office:***

The Central National Security Office which is in Ashraf Abad was the main station where the arrested individuals were taken, which was also the smallest office and had the least amount of space for prisoners. Many of the families of those arrested held protests in front of this particular office. The torturers in this location had a large range of power and conducted some of the worst tortures under the order of commander Radan and Commander Mahmoud Barg Zanm.

This location had the capacity for imprisonment of 70 people however 350 people at a time were held captive at this location, and it was crowded to the degree where people would be thrown on top of each other and torture of prisoners would take place in front of other prisoners. 20 masked security guards at a time would enter the cells and would start beating prisoners with cables, sticks and chains and give them electric shocks.

The hair of all individuals was shaved as they entered the station and while they were being beaten by security guards Commander Radan entered the station and stated "We have been ordered by the highest officials in this country to do this and the soldiers are just carrying out orders. They have the right to beat and torture you and if anyone dies I will take responsibility for it" The beatings continued after this speech until many had broken arms or legs and many more had lost consciousness.



Because the cells were so packed the soldiers were having a difficult time beating and torturing those who were in the back of the cells, therefore they would handcuff many prisoners together, throw them on the floor and walk over them to reach those who were in the back of the cells.

These individuals were kept in this station for two weeks without any medical attention to their injuries and broken bones. Unfortunately number of individuals lost their lives at this time and because the soldiers were masked only a few of them were identified namely: Mr. Zaferani and Mr. Musivand.

In order to stop being tortured some prisoners were forced to put their head inside the toilet bowl and lick it and others were forced to beat on the rest of the prisoners.

### **False Confessions Under Torture:**

The security forces tried forcing the prisoners to confess to crimes they had not committed under torture, this was particularly bad in the National Security Police Station, particularly forcing them to confess to very serious crimes which would result in heavy sentences.

## **Interrogation Questions During Torture:**

- How many people have you raped?
- How many children have you kidnapped?
- How many times have you committed armed robbery?
- How many people have you murdered?
- We have heard you have raped children in your neighborhood and many similar questions

Innocent people were forced to admit they had committed such serious crimes under torture. Many individuals were also forced to sign blank papers and did not know what they were being charged with or what they were signing.

## **The Way the Police Tried to Manipulate Public Opinion**

After beating these individuals mercilessly for hours, they would take them to their neighborhoods and by firing shots in the air and turning on the car sirens would bring people into the streets. Then the officers would tell the people who had gathered around:

“This is a person that lives in your neighborhood, he has raped many young women or he is a thief, or has kidnapped new brides and raped them, or has raped a three year old girl and killed her.”

This was done to mislead the public and excuse the brutal behaviour of the police. Then they would proceed to beat and break the arms and legs of these individuals or even flog them in public, without any charges or conviction or sentence.

The individuals would even be taken to neighborhoods where they did not live in and had never been to and the same treatment would continue.

### **The Transfer of Prisoners from Police Stations to Kehrzik Camp**

The prisoners were taken to the Kehrzik Camp which is located in the middle of a desert near the city of Sange Shahre Ray. The camp has one main lobby, 8 rooms and two larger rooms. There is no water, very little electricity, no room for visitation, no phones no carpets, beds or blankets available.

#### **Water**

There are no water pipes in the camp and the individuals were not allowed to use water for the purpose of going to the bathroom or cleansing. Any request for the use of water would be answered by severe beatings and torture.

In the first month the prisoners were given water from gallons which had previously contained petroleum or gas and this caused many of the individuals to become extremely ill.

After the first month the individuals were given two liters of water every two weeks to use for washing their face and hands.

In the first two months those who wanted to use the washroom at the pre-arranged times which was 10am and 10pm would have to pay a price, which was a severe beating by cables and sticks before they could use the washrooms.

Many of the prisoners suffered serious skin diseases and lice as a result of this lack of water.

### **Food:**

For the first few days the prisoners were not given any food at all.

When Commander Sardar visited the camp he stated “you will stay here for so long, be tortured and not be given food or water for so long that you will become as small as a mouse, until you can pass through

these bars and only then if you are still alive you will be taken to court or to other prisons.”

After the speech the prisoners would be given food twice a day at 4:30pm and 9:30 pm. They would be given one quarter of a pita bread and a very small potato. This food would not be given to them, but would be thrown inside the cells. Also for fun, interrogators would make weaker prisoners get on their hands and knees and bark like dogs, before being given their food. As a result many of these prisoners lost 1/3 to ½ of their body weight.

### **Medical Treatment for the Prisoners:**

Some treatment was available for those suffering from life threatening injuries such as losing consciousness for long periods of time, burst appendix or broken arms. In some cases where the injuries were extremely serious these individuals would be taken to Sajad Niruye Entezami Hospital. However broken arms or legs where there was no blood, broken nose or marks on the body from beatings were not enough to receive medical attention. There were many individuals with broken limbs, who as a result of lack of medical treatment suffered from permanent injuries.

### **Different Methods of Torture:**

Once the arrested individuals were transferred to the camp grounds they were forced into taking off all of their clothes, with the exception of their underwear and the beatings would start by the security officials present at the camp. It should be mentioned that these beatings would take place in the heat of noon where the ground and sand was particularly hot.

The security guards would attack the prisoners with cables buttons, chains and other hard objects. They would also wet these objects in a large water container to make the pain even stronger.

There were also officers who would hold the prisoners still by using belts or wood so that other security guards could beat them easily, to the point where many of them would lose consciousness and would not be able to react any longer.

At the end of this initial torture sessions some individuals would get their clothes back, however many of them were not given clothes and spent the first 50 days with their underwear only, being forced to sleep, be interrogated and tortured with no clothes on. This continued for 50 days until the first group of individuals was released and they were able to give their clothes to prisoners who did not have clothes.

### **The Situation inside the Camp**

There were 8 rooms within the camp. The room capacity was 20; however they would place 70-100 people per room.

There were no beds, sheets, pillows, blankets or even carpets in the rooms. The prisoners were forced to sleep on the cement for three months.

For the first 20 days the prisoners were not allowed out of these rooms, even to use the washrooms, and were forced to relieve themselves in the room. This situation continued for 20 days until the prisoners were allowed to wash the cells. Also because of lack of space the prisoners had to take turns sleeping because there was not enough space for everyone to be able to lie down.

Each individual had a little less than a half a meter room for himself and even breathing was extremely difficult let alone sitting or sleeping. It is reported that about 730 people were taken to this camp where the maximum capacity was for 250 people.

### **Beatings and Torture Within the Camp:**

The torturers themselves were dressed in civilian clothes and only the guards wore uniforms and masks. Some of the torturers were Officer

Alireza Sadeghi, Saeed Ali Akbar Manafi and Kamel Budand. These individuals were in charge of breaking prisoner's arms and legs.

During the torture sessions the tortures were visited twice by their supervisors Commander Radan and Commandar Mamouli who would encourage the tortures with speeches such as

“We have every right to do as we like with you, even to kill and bury you in this desert and no matter what we do to you, your voices will not be heard and if you don't end up dying here then you have to become as small as a mouse to pass through these bars.” Once this was done they ordered the torturers to beat the prisoners until they started making “dog noises” and if anyone dies under torture the Commanders would take the responsibility.

20 Interrogators would enter each room and beat the prisoners with cables, buttons and give them electric shocks until they lost consciousness. Then they would drag some of the prisoners, particularly those who didn't have clothes on out of the rooms, would chain them together and chain them to the bars on the doors and windows. Once chained the beatings would start again especially with electrical cables as well as beating soles of their feet with cables or sticks until they lost consciousness.

After beating them on the soles of their feet they would force these individuals to walk, they would also force them to take off all their clothes, in front of other prisoners; they would give them a microphone



and force them to say terrible things about themselves, their mothers and wives in order to stop the torture.

These beatings resulted in broken legs, feet, arms and hands. Also many of them developed psychological problems as a result of the beatings. Many lost control of their bladder and a number of them died under torture. (Estimated to be 13 people).

The officials stated the reason for death of these individuals was heart attack, weak heart or other problems.

Another form of torture was handcuffing individuals to military beds and forcing other prisoners to relieve themselves on top of prisoners that were chained to the beds.

It should also be mentioned that the security officials also used live animals namely lizards that were at least 80 cm in length by throwing them on the face or body of the prisoners whose hands were cuffed.

The individuals would be tortured 4 times a day and the specific time for torture were 10am, 4pm, 10pm and 12am.

**The Age Range of Individuals Arrested:**

The average age for those arrested was 30 years old. The oldest of those arrested were two gentlemen aged 62 and 80 who were arrested because they protested against the illegal entry of plain clothed officials into their homes. These men were arrested along with their sons.

The youngest of those who were arrested were a few 15-16 year olds who were arrested in public parks. They were charged with soliciting. Also around 80 individuals that were arrested were under the age of 18. These individuals were arrested and tortured non-stop for 40 days without being charged, having any rights or even being interrogated. After the torture they remained in custody for three months, after which some were transferred to prisons without any charges being laid against them while others were released.

### **The First Group Who Were Released:**

The first group of these individuals was released in July 2007. These were around 30 innocent individuals who were not charged with any crimes even after being through torture and interrogation.

## **Misleading and Misinforming the Public**

From the 730 people who were arrested only 30 of them were formally charged with a criminal offence at the end of four months. This is only after these 30 individuals had confessed to serious crimes under 4 months of brutal torture.

Also this was the time when many public executions took place in Iran, and the police advertised and misled the public in such a way to make the public believe they were executing the most dangerous criminals.

Many individuals were also forced to pose behind cameras with guns and other weapons and this was done by force of torture.

## **The Current Situation of Kehrzik Camp**

Currently there are 30 people imprisoned in Kehrzik Camp, and many others have been transferred to Evin Prison and Ghazl Hesar Prison. Currently the police are in the process of creating solitary confinement cells within the camp to use it for future interrogation purposes.

## **Conclusion:**

This report has been created through direct contact with many of the victim of this operation as well as through contact with their families and loved ones. All individuals we contacted suffer both from physical and psychological disorders as a result of this terrible experience.

This tragic “operation” has been one of the worst human rights violations in Iran in the past few years. It should be mentioned that many of the individuals arrested were innocent and also there were many individuals under the age of 18, who had to undergo this brutal and unthinkable torture.

All victims of this operation that we have met, without exception are suffering from malnutrition as well as depression and extreme fear.

The following are some of the victims of this operation and their place of detention.

1. Mohammad Forughi- released on bail
2. Mojtabi Tabah- Evin Prison, Section 6, Room 7
3. Hossein Najar Hosseyni- Evin Prison, Section 5, Room 7
4. Ali Talajuyan- Evin Prison Section1, Room7
5. Amir Chahargane- Evin Prison, Section1, Room7
6. Meysam Lotfi-Evin Prison, Section 240 Cell 38
7. Hamid Moradi-Evin Prison, Section 240, cell 42
8. Morteza Gholamali, Evin Prison, Section 3, Room 7
9. Hani Khandari, Evin Prison, Section 209, room 122
10. Siyamat Afshar, GhazalHesar Prison, Section 2
11. Abbas Nazari, Evin Prison, Section 7, room3

12. Hadi Molayi, Evin Prison, Section7, room3
13. Akbar Alizadeh, Evin PrisonSection7, room4
14. Misam Molayi, Evin Prison, Section 7, Room 1
15. Saeed Jamali, Evin Prison, Section7, room3
16. Abbas Mashadi Reza, Evin Prison, Section7, room 3
17. Taher Babazadeh, Evin Prison, Section 240
18. Mohsen Shekari, Evin Prison, Section7, room1
19. Hosseyn Pouya Mehrm Kehrzik Camp
20. Ruholah Ebrahimi, Kehrzik Camp
21. Mehdi Shahrabi-Evin Prison, Section 8, room 7
22. Majid Kushkestani, Evin Prison, section8, room 7
23. Hamid Ebrahimi, Evin Prison, Section 8, Room 9
24. Hosseyn Alizr, Evin Prison, Section 8, room 10
25. Amir Mokhtari, Evin Prison, Section 8, room 10
26. Vahid Hosseyni, Kehrzik Camp
27. Mostafa Taheri, Evin Prison, Section8, Room 10
28. Hamed Akbari, Evin Prison, Section 240
29. Mojtaba Rezayi, Kehrzik Camp
30. Mohammad Reza Razvi, Evin Prison, Section 8, room 8
31. Mohammad Salimi, Gohardasht Prison
32. Asghar Salimi, Gohardasht Prison, Section5
33. Mehdi Salimi, Gohardasht Prison, executed in Evin Prison

Human Rights Activists in Iran is asking for the creation of an independent investigation group to investigate the events described above and can prove everything mentioned above by way of eye witness testimony and other evidence and can prove it in any court in any part of the world.